

بسم الله الرحمن الرحيم



دانشکده هنر و معماری

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته نقاشی

تحلیل نشانه شناسی نقاشی های سهراب سپهری

نگارش

الهه رئیس الساداتی

استاد راهنما

دکتر مهدی اخویان

استاد مشاور

دکتر فواد نجم الدین

شهریور ۱۳۹۳

تقدیم به

مقدس ترین واژه ها در لغت نامه دلم

پدر و مادر

سپاس گزاری

با سپاس فراوان از راهنمائی‌ها و زحمات استاد محترم و گرانقدر جناب آقای دکتر مهدی اخویان که از ابتدای راه و در طی انجام این تحقیق، با راهنمائی‌های خود مرا در نگارش این اثر یاری نمودند و همچنین قدر دانی و تقدیر از استاد بزرگوار، جناب آقای دکتر فواد نجم الدین استاد محترم مشاور، دکتر بهنام جلالی مدیر گروه محترم گروه نقاشی، که با هدایت و حمایت‌های بی دریغشان یاری‌ام نمودند.

الهه رئیس الساداتی ۱۳۹۳

چکیده

سهراب سپهری از جمله هنرمندان برجسته‌ی ایرانی است که در ساحت‌های مختلف شعر، نقاشی، اندیشه‌ی شرق و عرفانی کار نموده و حضوری عمیق و اثر بخش در هنر این سرزمین داشته است. آن چه نام سپهری را در حیطه‌ی هنر، از دیگر هنرمندان معاصرش متمایز می‌کند، به کارگیری تفکرات عرفانی و اندیشه‌های متأثر از ذن – بودیسم و کاربرد زبانی نمادین با نگرش و تفسیر خاص او در خلق آثارش می‌باشد. از سویی دیگر، شعرها و نقاشی‌های سهراب سپهری، آکنده از نشانه‌هایی است که با رمزگشایی آن‌ها ملموس‌تر و قابل فهم‌تر می‌شود. در همین راستا، محور اصلی این پژوهش بررسی اندیشه‌های سهراب سپهری و همچنین نشانه‌شناسی عناصر غالب در نقاشی‌های او مبتنی بر هر دو مکتب سوسوری و پیرسی می‌باشد و سعی شده است تا ضمن بیان گوشه‌هایی از نحوه‌ی زندگی وی و ابعاد گوناگون هنر او و مطالعه‌ی بیان نمادینی که در انتخاب رنگ‌ها، عناصر و ترکیب‌بندی نقاشی‌هایش و همچنین رابطه بین شعر و نقاشی‌های او بیان شده به نوعی نشانه‌شناسی در جهت پاسخ به سؤال تحقیق نمائیم.

این تحقیق از نظر هدف بنیادی و از نظر روش توصیفی تحلیلی می‌باشد که اطلاعات تحقیق به شیوه‌ی کتابخانه‌ای جمع‌آوری شده است.

نتایج تحقیق نشان می‌دهد که بخش قابل توجهی از نشانه‌ها در آثار سهراب سپهری، نماد نور ازلی و تجلی ذات جهان هستی را نشان می‌دهد به گونه‌ای که نقاش را به سمت حقیقت هستی رهنمون می‌سازد. از طرفی آثار این هنرمند باز خوانی فرهنگ و عرفان اسلامی و ازسوی دیگر تاثیرات فرهنگ شرق دور می‌باشد.

واژگان کلیدی: نشانه‌شناسی، سهراب سپهری، نقاشی، عرفان، ذن – بودیسم

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
فصل اول - مقدمه و کلیات تحقیق	
۱-۱- مقدمه.....	۱
۲-۱- بیان مسئله.....	۳
۳-۱- سؤالات تحقیق.....	۴
۴-۱- فرضیه تحقیق.....	۴
۵-۱- اهمیت و ضرورت تحقیق.....	۴
۶-۱- پیشینه تحقیق.....	۵
۷-۱- روش شناسی تحقیق.....	۶
فصل دوم (چارچوب نظری و ادبیات تحقیق)	
۱-۲- نشانه شناختی.....	۷
۲-۲- عرفان.....	۱۱
۳-۲- ذن - بودیسم.....	۱۲
فصل سوم (یافته‌های تحقیق)	
۱-۳- زندگی‌نامه‌ی سهراب سپهری.....	۱۴
۲-۳- آراء صاحب نظران درباره‌ی سهراب سپهری.....	۲۶
۳-۳- تأثیر عرفان بر اندیشه‌ی سهراب سپهری.....	۳۳
۴-۳- تأثیر ذن - بودیسم بر اندیشه‌ی سهراب سپهری.....	۴۰
۵-۳- انعکاس اندیشه‌های سهراب در نقاشی‌هایش.....	۵۱

۵۷.....۳-۶-رنگ در آثار سهراب سپهری.....

۶۰.....۳-۶-۱-آبی.....

۶۲.....۳-۶-۲-سبز.....

۶۳.....۳-۶-۳-سیاه.....

۶۴.....۳-۷-رابطه میان شعر و نقاشی سهراب سپهری.....

فصل چهارم (تحلیل یافته‌ها و نتیجه‌گیری)

۷۴.....۴-۱-نشانه‌شناسی در نقاشی‌های سهراب سپهری.....

۷۶.....۴-۱-۱-خورشید.....

۷۷.....۴-۱-۱-۱-نور ازی و حقیقت محضیه.....

۸۳.....۴-۱-۲-درخت.....

۹۲.....۴-۱-۳-سیب.....

۹۴.....۴-۱-۴-خانه.....

۹۷.....۴-۱-۵-انتزاع.....

۱۰۱.....۴-۲-نتیجه‌گیری.....

۱۰۳.....فهرست مراجع.....

۱۰۶.....ضمائم.....

فهرست جدول

عنوان	صفحه
جدول ۱-۳- دفعات تکرار رنگ های غالب در هشت کتاب سهراب سپهری.....	۶۰

فهرست نمودارها

عنوان	صفحه
نمودار ۱-۲- رابطه دال و مدلول.....	۹
نمودار ۲-۲- عناصر تشکیل دهنده‌ی نشانه از دیدگاه پیرس.....	۱۱

فهرست تصاویر

عنوان	صفحه
تصویر ۱-۳-.....	۴۴
تصویر ۲-۳-.....	۴۴
تصویر ۳-۳-.....	۴۷
تصویر ۴-۳-.....	۴۷
تصویر ۵-۳-.....	۵۰
تصویر ۶-۳-.....	۵۰
تصویر ۷-۳-.....	۵۳
تصویر ۸-۳-.....	۵۴
تصویر ۹-۳-.....	۵۶
تصویر ۱۰-۳-.....	۶۶
تصویر ۱۱-۳-.....	۶۶
تصویر ۱۲-۳-.....	۶۷
تصویر ۱۳-۳-.....	۶۹
تصویر ۱۴-۳-.....	۶۹

٧٠.....	تصوير ٣-١٥-.....
٧١.....	تصوير ٣-١٦-.....
٧٣.....	تصوير ٣-١٧-.....
٧٣.....	تصوير ٣-١٨-.....
٨١.....	تصوير ٤-١-.....
٨٧.....	تصوير ٤-٢-.....
٨٧.....	تصوير ٤-٣-.....
٨٨.....	تصوير ٤-٤-.....
٨٩.....	تصوير ٤-٥-.....
٨٩.....	تصوير ٤-٦-.....
٩٣.....	تصوير ٤-٧-.....
٩٥.....	تصوير ٤-٨-.....
٩٦.....	تصوير ٤-٩-.....
٩٨.....	تصوير ٤-١٠-.....
٩٨.....	تصوير ٤-١١-.....
٩٩.....	تصوير ٤-١٢-.....
٩٩.....	تصوير ٤-١٣-.....
١٠٠.....	تصوير ٤-١٤-.....

مقدمه و کلیات تحقیق

۱-۱- مقدمه

از ویژگی های اساسی و قابل تأمل نقاشی ایرانی، پیوستگی و همراهی با ادبیات است، چنان که در تاریخ ایران زمین کمتر دیوان و کتابی را شاهدیم که حداقل قسمتی از آن تصویر نشده باشد. تعداد بی شماری از این آثار جزو شاهکارهای تصویری نه تنها ایران، بلکه جهان هستند. بینش یگانه و ذهنیت مشابه هنرمندان این آثار موجب پیوند درونی و همخوانی ذاتی ادبیات و نقاشی ایرانی شده است، به این دلیل که نقاش و شاعر، هر دو از یک سرچشمه و یک منبع سیراب گشته اند و تفکرات و اندیشه های آن ها بر هم منطبق بوده و قصد آنان استخراج و انتقال پیامشان بوده است. در رابطه با سهراب سپهری، با هنرمندی مواجهیم که در هر دو زمینه ی نقاشی و شعر کار کرده و آثاری ارزنده آفریده است. او را هنرمندی می شمارند که با نقاشی هایش شعر می گفته و با اشعارش نقاشی میکرده است. او خود می گوید: «باختر زمین دانش را با نقاشی می آمیزد و خاور زمین شعر را»

این رساله در پنج فصل به شرح زیر تنظیم شده است:

فصل اول به کلیات تحقیق اختصاص دارد. در این فصل، سوالات و فرضیات تحقیق مطرح شده اند و در آخر تعاریف و واژه ها بیان گردیده است. در فصل دوم به ادبیات پژوهش و چهار چوب نظری از منظر نشانه شناسی، خاصه نظریه ای پیرس و سوسور پرداخته می شود. قصد بر این نیست در این پژوهش آثار نقاشی سهراب سپهری به صورت علمی نشانه شناسی گردد، این تحقیق بنا دارد نماد های بکار گرفته شده در آثار سپهری را در جهت تبیین فرضیه تحقیق، تحلیل نماید، واز نظریات

اندیشمندان نشانه شناسی به عنوان الگو و روش استفاده نماید. از جایی که نماد سومین نوع نشانه در تقسیم بندی سه گانه پیرس قرار گرفته است و در آثار هنری، عناصر نمادین بکار گرفته شده در آن به اتکای قرار دادی بودنشان به عنوان نشانه پا به عرصه ظهور می گذارند. در فصل سوم به آن چه تا کنون درباره‌ی سپهری نگاشته شده و زندگی نامه‌ی هنرمند پرداخته می‌شود و گزیده‌ای از آراء متفکران درباره‌ی او، بررسی نماد رنگ، رابطه‌ی شعر و نقاشی سپهری، اندیشه‌های عرفانی و تأثیر او از ذن - بودیسم می‌پردازد و در فصل چهارم به توضیح درباره‌ی انواع نشانه‌های غالب در نقاشی‌های سهراب و نسبت آن‌ها را با ساختار ذهنی و اندیشه‌های سهراب می‌پردازد و همچنین به کارکرد این قبیل نشانه‌ها در ایجاد سلسله‌ای از تداعی‌ها و دلالت‌های ضمنی اشاره می‌شود. در جمع‌آوری مطالب این پایان‌نامه از منابع کتابخانه‌ای هم به شیوه‌ی «کتابخانه‌ای باز» که در آن محقق می‌تواند آزادانه میان قفسه‌ها رفت و آمد کند و کتاب‌ها را مورد بررسی قرار دهد و کتاب مورد نظر خود را انتخاب کند، و هم از روش «کتابخانه‌ای نیمه باز» که در آنها بخشی از منابع به طور مستقیم در دسترس محقق قرار دارد و قسمتی دیگر در اختیار کتابداران است. استفاده گردیده است. محدودیتی که در نگارش این پایان‌نامه با آن مواجه شد عدم دسترسی به کلیه آثار نقاشی سهراب سپهری به دلیل پراکندگی آنها در موزه‌ها و مجموعه‌های خصوصی مختلف بود، در نتیجه گردآوری تصاویر از طریق سایت‌های اینترنتی و بعضاً کتب به چاپ رسیده، صورت گرفته است.

۱-۲- بیان مسئله

سپهری را باید به عنوان انسانی فرهیخته و والا شناخت که در نقاشی‌ها و شعرهایش تبلور یافته است. نقاشی و شعر او ارتباط تنگاتنگی با یکدیگر دارند و بسیار به هم نزدیکند. از این جهت مرور زندگی و آثار هنرمندی که با این دو هنر آشنایی داشته و دست به آفرینش زده است، بسیار سودمند خواهد بود. هنر حاصل ذوق، حس زیبایی شناختی هنرمند، تجربه‌ها و آموخته‌های اوست. سپهری نیز در این مسیر، در طی سفرهایی که به شرق و غرب داشته و در تعامل با هنر و دانش این اقوام و ملل، به بررسی، شناخت و پژوهش آن‌ها پرداخته و با توسل بر اندیشه‌ها و هنر آنان، بر غنای تجربه‌ی خود افزوده و افق دید خویش را گسترش داده است و از این رهگذر اندیشه‌های هنری‌اش به منصفی ظهور رسیده و آثار هنری‌اش شکل گرفته است.

نگاه عارفانه‌ی سپهری، در کنار بهره‌گیری از اندیشه‌های ملهم از سنت‌های هنری شرق، از جمله ذن- بودیسم که همواره حامل و حاوی عناصر معنوی و روحانی بوده و جایگاهی یگانه را در میان مکاتب هنری به خود اختصاص داده است و با کمک ذوق، ابداع و استعداد شخصی او، توانست سپهری را به مرتبه‌ای ممتاز در هنر ایران برساند.

سپهری همچنین برای القای احساسات، ذهنیات، دریافت‌ها و اندیشه‌های گاهاً غریب خود، همواره از بیانی نمادین در انتخاب رنگ‌ها و عناصر نقاشی‌هایش سود جست تا احوال، اشراق و شهود عارفانه‌ی خویش را تبیین کند. نقاشی‌های سپهری ساده و به دور از پیچیدگی هستند و او سعی داشته تا به کمک نمادها و با شیوه‌ای متفاوت، کشف، شهود و اشراق خود را به بیننده‌ی آثارش نشان دهد. و او را در احساساتی که خود تجربه کرده، سهیم سازد. او را می‌توان جزو هنرمندان بینارشته‌ای فرض کرد که در چند زمینه کار کرده و نقاشی‌ها، مطالب و اشعارش جنبه‌ی عرفانی دارند. سپهری از جمله هنرمندان ایرانی است که در سطح ملی و بین‌المللی شناخته شده و مطرح است. آثار این هنرمند ابعاد متکثری دارد، چه از نظر تفکر و جهان بینی و چه به لحاظ تکنیکی و هنر او، از نظر پایگاه استوار معنوی‌ای که در پس نقاشی‌ها، نوشته‌ها و اشعارش وجود دارد قابل بررسی است.

با توجه به این که سهراب سپهری اندیشمندی است که آثارش را در زمینه‌های نقاشی و شعر با یاری جستن از آموزه‌های عرفانی، شرقی و زبانی نمادین پدیدآورده، لذا مطالعه‌ی این موارد در آثار او و خصوصاً نقاشی‌هایش، کمک شایانی به شناخت این هنرمند خواهد نمود.

در این تحقیق سعی بر آن است، آثار سپهری، افکار و نظریات او در باب هنر و به ویژه نقاشی، تأثیر و تأثراتی که پذیرفته، رابطه‌ی شعر و نقاشی او و رنگ‌ها در آثار وی و همچنین انواع نشانه‌ها در آثار سهراب و نسبت آنها را با ساختار ذهنی و اندیشه‌های سهراب مورد بررسی قرار گیرد.

۱-۳- سؤال تحقیق

با توجه به آنچه در بیان مسئله ذکر گردید، پرسش اصلی رساله این است:

نشانه‌های برساخته شده در نقاشی‌های سهراب سپهری باز نمود چه فرهنگی است؟

برای پاسخ به سؤال تحقیق با توجه به چهارچوب نظری و پیشینه تحقیق این فرضیه را می‌توان ساخت.

۱-۴- فرضیه تحقیق

نشانه‌های موجود در اشعار و نقاشی‌های سهراب سپهری و نشانه‌های شمایی در نقاشی‌های او نشان از تأثیر پذیری او از مکتب ذن- بودیسم است. از سویی دیگر اینگونه به نظر می‌رسد که فضای خلوت منش عارفانه هنرمندان ایرانی در کارهای او باز نمود پیدا کرده است.

۱-۵- اهمیت و ضرورت تحقیق

هدف پژوهش این است که رابطه بین نشانه‌های نوشتاری و تصویری را تبیین نماید و از این طریق ارتباط معنا داری بین هنر های تجسمی و ادبیات عرفانی برقرار نماید. علی رغم تحقیق و بررسی‌هایی که در کتاب‌ها، مقالات و پایان نامه‌های متعدد در رابطه با بررسی و نقد شعر سپهری صورت گرفته، مطالب قابل ملاحظه و جامعی در رابطه با نقاشی‌های او که حاوی اندیشه‌های عرفانی و ذن- بودیسم و

همچنین نشانه‌شناسی عناصر موجود در آثار او وجود ندارد. تنها مطالب چندی به صورت پراکنده در این خصوص یافت می‌شود که این موارد نیز انگشت شمارند. لذا جای تحقیقی جامع که به بررسی این نکات بپردازد، خالی می‌نمود و ضرورت پرداختن به این موضوع احساس می‌شد.

۱-۶- پیشینه تحقیق

در راستای این تحقیق، پژوهش‌های به صورت پراکنده به صورت مقاله و رساله دانشگاهی دانشگاهی انجام گرفته است، البته بیشتر آنان به موضوع شعرهای سپهری پرداخته‌اند که شماری از آنان در زیر فهرست شده است:

۱. اصفهانی عمرانی، نعمت. حقیقت جویی عارفانه‌ی سهراب سپهری با رویکرد تطبیقی به عرفان اسلامی. بودایی، ادبیات تطبیقی، سال چهارم، شماره ۱۴. به جنبه‌های عرفانی شعر سپهری پرداخته است.

۲. امامی، سهیلا. یادداشتی بر بُن‌مایه‌های تصویری در شعر «صدای پای آب» سهراب سپهری، مجله دانشکده ادبیات علوم انسانی دانشگاه تهران. به نمادهای طبیعت، وطن و زادگاه، عرفان به معنی جدید، زندگی و مرگ پرداخته است.

۳. رحیمی راد، ابوالفضل. کارشناس ارشد ادبیات فارسی، طبیعت‌گرایی در جهان بینی سهراب سپهری مجله فردوسی، شماره ۷۶- اردیبهشت ۱۳۸۸. با توجه به دفتر «صدای پای آب» و «مرگ رنگ» در جستجوی طبیعت‌گرایی در جهان بینی سهراب بوده است.

۴. حسن‌خانی، فریدون. شعر من‌نقاشی است. مجله هنرهای تجسمی، شماره ۲۶، به بررسی نقاشی‌های سهراب پرداخته است.

۵. شریفیان، مهدی. نقد عرفانی شعر «نشانی» سهراب سپهری، فصلنامه علمی پژوهشی علوم انسانی دانشگاه الزهراء، شماره ۶۱-۶۲ زمستان ۱۳۸۵، در مقاله حاضر از منظری دیگر و با بهره‌گیری

از روش تحلیل و نقد عرفانی درصدد است تا بنیادهای عرفانی و آموزه های صوفیانه ی آن را با تعبیر و اندیشه های صوفیانه قدیم ایران زمین بسنجد.

۶. قاسم زاده، علی. روانشناسی رنگ در اشعار سهراب سپهری، فصلنامه پژوهشی ادبی، شماره ۲ پاییز ۱۳۸۲. با توجه به بسامد واژگان رنگ ها از راهی علمی تر به پاره ای از ویژگی های رفتاری، اخلاقی پرداخته است.

۷. کمالی بانیانی، مهدی. بررسی ارکی تایپ در آثار سپهری، فصلنامه ادبیات فارسی (علمی ترویجی)، سال سوم شماره ۷ پاییز ۱۳۸۵، به بررسی تطبیقی میان رنگها و نمادها با مفاهیم و معانی ارکی تایپ در شعر سهراب سپهری پرداخته و تأثیرپذیری سهراب از ارکی تایپ رنگها پرداخته است.

۸. صدیقی، مصطفی. تحلیل رنگ در سروده های سهراب سپهری، نشریه دانشگاه ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، شماره ۱۳ بهار ۱۳۸۲، به کارکرد رنگ در «هشت کتاب» سپهری به ترتیب سرایش پرداخته است.

۱-۷- روش شناسی تحقیق

این تحقیق از نظر هدف بنیادی و از نظر روش توصیفی-تحلیلی می باشد که اطلاعات تحقیق به صورت کتابخانه ای جمع آوری شده است. جامعه آماری این تحقیق از میان حدود دویست نقاشی سهراب سپهری، ۳۲ تصویر به صورت اتفاقی انتخاب شده که از میان آن ۱۴ اثر مورد تجزیه و تحلیل نشانه شناسی قرار گرفته است.

فصل ۲

چهارچوب نظری و ادبیات پژوهش

۱-۲- نشانه‌شناختی

ازجایی که عناصر نمادین در آثار سهراب سپهری زیاد بکار رفته است، که معنایی غیر از شکل ظاهری خود دارند، رساله بر آن شده است که از دید گاه‌نشانه‌شناسی این عناصر را در جهت پاسخ به پرسش تحقیق تحلیل نمایند.

”مونژن فردینان دوسوسور (۱۹۱۳-۱۸۵۷) زبان‌شناس سویسی به همراه چالزساندرز پیرس (۱۹۱۴-۱۸۳۹) فیلسوف آمریکایی که کم و بیش در یک دوره‌ی تاریخی می‌زیسته‌اند، بنیان‌گذاران اصلی آنچه امروز نشانه‌شناختی^۱ نامیده می‌شود، هستند. اگر چه پس از سوسور و همچنین پیرس تحولات گسترده‌ای در مباحث نشانه‌شناختی صورت گرفته است و مبانی فکری اینان در حوزه‌های متفاوتی گسترش یافته است، با این وجود، الگوهایی که سوسور و پیرس از مفهوم نشانه ارائه داده‌اند، اعتبار خود را حفظ کرده است و مبانی تحولات بعدی نیز بوده است.“ (سجودی، ۱۳۸۳: ۲۱)

^۱ *semiology*

” اصطلاح *semiology* را سوسور، از اصطلاحی که سده‌ی پیش *semiotics* می‌خواندند، ساخته است. از دید سوسور نشانه‌شناختی، پژوهش در باب نظام‌های دلالت معنایی است که زبان یکی از این نظام‌هاست. آدمیان به یاری اشارات اندام‌های بدن، نظام پوشاک، نظام خوراک، نظام‌های نشانه-ای فرهنگی (از سیمایچه‌های اقوام ابتدایی تا نظام نقاشی تجریدی معاصر) و به بیان دیگر، با ابزاری جدا از نوشتار و گفتار نیز با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند، که قاعده‌های تصویری به عنوان قسمتی از این ابزار به شمار می‌روند، و شماری هم هیچ ارتباطی به این قواعد ندارند. نشانه‌شناختی علم شناخت این نظام ارتباطی است.” (احمدی، ۱۳۷۸: ۱۲)

” سوسور میان نظام زبان و گفتار فردی تمایزی بنیادین برقرار می‌کند. از دید او، نظام زبان وجه اجتماعی آن است، و به طور ناخودآگاهانه به کار می‌گیریم. از دید وی، گفتار، تحقق فردی این نظام در مصادیق بالفعل زبان است. سوسور همواره میان زبان و گفتار تفاوتی قائل است و به اولویت گفتار به نوشتار معتقد است. او زبان را نظامی می‌داند از واژگان، قاعده‌های دستوری، نحوی و واج‌شناسی که افراد همواره با آن در ارتباطاند اما تمامی امکانات وجودی آن را نمی‌شناسند. گفتار، داده‌های زبانی است که بی‌واسطه در اختیار افراد قرار می‌گیرد، کنشی فردی است و به همراه خود منش‌های گروه خاص جامعه، لهجه و تأکیدها را به همراه دارد. از دید سوسور، زبان نظامی از تمایزهاست در واحدی زبانشناسیک که هر یک از عناصر در مناسباتی که با سایر عناصر نظام می‌یابد، تعریف می‌شود و ارزش می‌یابد.

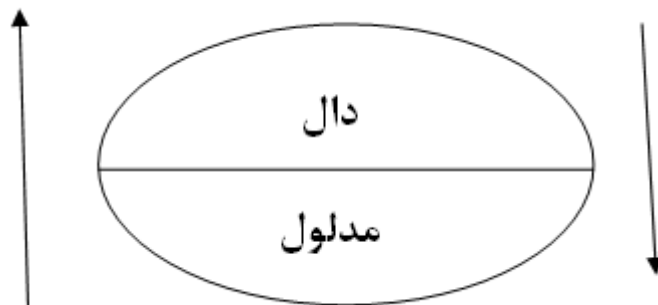
در نظام نشانه‌شناختی سوسور الگویی دو وجهی از نشانه ارائه می‌دهد، از دید او، نشانه متشکل است از : دال^۲ تصویر ذهنی و مدلول^۳، مفهومی که دال بر آن دلالت می‌کند. به اعتقاد او نشانه‌ی زبانی

^۲ دال که معادل واژه‌ی انگلیسی *Significant* است در معنی شناسی زبانی و از دیدگاه ف.دوسوسور، دال تصویر آوایی و ذهنی از مجموعه اصواتی است که به عنوان یک واح زبانی در نظام زبان نقش دارند

^۳ مدلول که معادل واژه‌ی انگلیسی *signifie* بوده، تصویری معنایی که از یک مصداق در ذهن سخنگوی زبان نقش بسته است. برای درک بهتر مطلب می‌توان از نمونه‌هایی نظیر "رود" یا "کوه" بهره گرفت که هزاران نوع از آنها در جهان خارج وجود دارند و هیچ کدامشان با دیگری یکسان نیست.

نه یک شیء را به یک نام، بلکه یک مفهوم را به یک تصور صوتی پیوند می‌دهد. تصور صوتی، آوایی مادی نیست که جنبه‌ی فیزیکی داشته باشد، بلکه اثر ذهنی از این آواست و حواس ما نمایشی از آن را ارائه می‌دهد؛ از سویی نشانه‌ی زبانی محسوس است و اگر می‌خواهیم آن را مادی بنامیم، تنها به همین معنی و برای تقابل با وجه دیگر تداعی، یعنی مفهوم است. (سجودی، ۱۳۸۳:۲۲)

کلیت نشانه، ناشی از پیوند بین دال و مدلول است و رابطه‌ی بین دال و مدلول را اصطلاحاً دلالت^۴ می‌نامند. این رابطه بر اساس نظریه‌ی سوسوری مطابق با نمودار ۱-۲ می‌باشد. خط درونی و افقی، دو عنصر درونی نشانه را از هم جدا می‌کند.



نمودار ۱-۲- رابطه‌ی دال و مدلول

”نشانه همیشه دو رو دارد. سوسور تأکید کرده است که صدا و اندیشه (دال و مدلول) درست مانند دو روی برگ کاغذ از هم جدایی‌ناپذیرند. دال بدون مدلول، یا به عبارتی دالی که به هیچ مفهومی دلالت نکند، صدایی گنگی بیش نیست و مدلولی که هیچ صورتی (دالی) برای دلالت بر آن وجود نداشته باشد، قابل دریافت و شناخت نیست. این دو سوی نشانه (دال و مدلول) به واسطه‌ی یک پیوند متداعی ارتباط تنگاتنگ ذهنی دارند؛ هر یک از آن به دیگری معنا می‌دهد و البته این دو وجه نشانه وابستگی متقابل به یکدیگر دارند و هیچ یک مقدم بر دیگری نیستند.” (سجودی، ۱۳۸۳:۲۲)

”پیرس انواع نشانه را به سه دسته‌ی عمده شمایی، نمایه‌ای و نمادین تقسیم بندی می‌کند:

^۴-دلالت که معادل واژه‌ی انگلیسی signification است در معنی شناسی زبانی به فرایندی اطلاق می‌شود که یک صورت زبانی را به صدیقی در جهان خارج یا مفهومی زبانی پیوند دهد. دلالت در نظریه‌ی نشانه شناسی دو جنبه پویا و ایستا دارد از این رو هم فرایند تولی معنی را شامل می‌شود و هم معنی تولید شده را در بر می‌گیرد.

- ۱- نشانه‌های شمایی، که بر اساس شباهت نشانه با موضوع عمل می‌کنند.
 - ۲- نشانه‌های نمایه‌ای، که نوعی پیوستگی معنایی بین موضوع و نشانه وجود دارد.
 - ۳- نشانه‌های نمادین، دسته‌ای هستند که بیشتر بر قراردادهای اجتماعی استوارند.
- در این میان سوسور تنها به سویه‌ی نمادین نشانه معتقد بودند و تنها آن دسته از نشانه‌ها را، که منشأ قراردادی داشتند، جزء نشانه‌ها قرار می‌دادند، که در دسته‌بندی "پیرسی" از نشانه‌ها، تنها نمادها جزء این دسته‌بندی قرار می‌گیرند، چرا که طبق تقسیم‌بندی پیرس، تنها نشانه‌های نمادین قراردادی هستند که قابلیت تأویل و برداشت‌های گوناگون را دارند.

مقایسه‌ی الگوی پیرس با سوسور:

برخلاف الگوی سوسوری که نشانه قالب دوگانه‌ی خودبسنده (*Self-Contained Dyad*) را

داراست، پیرس الگویی سه‌وجهی (مثلث معنایی پیرس) را معرفی کرد:

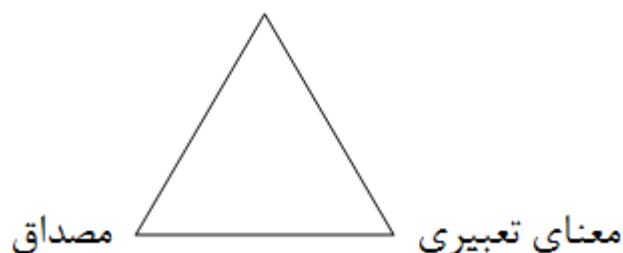
- بازنمون: صورتی که نشانه به خود می‌گیرد (و الزاماً مادی نیست).
 - تفسیر: نه تفسیرگر، بلکه معنایی که از نشانه حاصل می‌شود.
 - موضوع: که نشانه به آن ارجاع می‌دهد.
- پیرس معتقد بود نشانه به معنای وسیع آن از سه عنصر به هم پیوسته تشکیل شده است که این عناصر در نمودار ۲-۲ ارائه شده است.

معنای تعبیری یا تأویلی، عبارت است از برداشت‌هایی که مخاطب از نشانه خواهد داشت و چه

بسا مخاطب نکاتی را بفهمد که از لوازم معنا است و گسترده‌تر از معنای صریح باشد. (یوهانسن، ۱۳۸۸:

(۵۹-۵۸)

نشانه نمایانگر



نمودار ۲-۲- عناصر تشکیل دهنده‌ی نشانه از دیدگاه پیرس

۲-۲- عرفان

”عرفان به معنی شناختن و معرفت حق تعالی است. دریافت و ادراک حقایق اشیاء و پدیده‌ها به طریق کشف و شهود. عرفان یک مفهوم عام و کلی است که همه‌ی نحله‌های معنوی را شامل می‌شود. به همین دلیل براساس مناطق جغرافیایی و یا مذاهب گوناگون، عرفان‌های مختلف با شیوه‌های متفاوت وجود دارد، مانند عرفان بودایی، عرفان مسیحی، عرفان یهودی، عرفان سرخپوستی، عرفان هندی و ... عرفان با تصوف بسیار متفاوت است. موضوعات عرفانی جنبه‌های نظری و عملی دارد. در صورتی که تصوف جنبه‌ی عملی و رفتاری عرفان است. هر عرفانی به سبب ماهیت خود، موجب ازدیاد شوق و محبت در فرد سالک می‌شود و همین که انسان در وادی عرفان واقع شد، انگیزه و شوق و محبت و عشق او نسبت به مفاهیم باطنی و ادراک خاص پدیده‌های جهان، ازدیاد می‌یابد. در صورتی که مبنای تصوف، زهد و پایبندی به آداب و رسوم سلسله‌های خانقاهی و عمل به دستورات پیر می‌باشد. عرفان و عشق، مقصود حضرت حق تعالی از خلقت است.“ (ضرابیها، ۱۳۸۹: ۵۵)

”عرفان، در واقع یک مرام و یک مکتب است، که بر طبق یک جهان‌بینی خاص بنا شده. در واقع، طریقه‌ای است در میان همه مکاتب موجود در جهان که برای کشف حقیقت، نه بر عقل و استدلال، بلکه بر ذوق و اشراق و اتحاد با حقیقت تکیه دارد. و در همه اقوام و ملل و مذاهب مختلف جهان، شایع و رایج است. عرفان در اصطلاح عبارت است از شناخت قلبی که از طریق کشف و شهود، نه بحث و استدلال حاصل می‌شود و آن را علم وجدانی هم می‌خوانند. در اسلام نیز، این مکتب، در